



ترجمه محترم عبدالغفور خان مترجم

تاریخ طب در مصر قدیم

برای استادی تخصص در يك فن و ساینس، علمیت بر ظهور و نشوونما و تاریخ گذشته آن حتمی است، و نوواد در باید مشعل خویش را از آتش قدما برافروزد. پیشرفت علم طب در یجی بوده و آغاز آن خیلی قدیم است. سوراخ کردن جمجمه برای رفع فشار از مغز سر و داغ کردن، عین دود و در نپولیتیک (۱) شیوع داشت. قطع عضو فاسده و بستن رگهای انگشتان را امر درمان عصر یلیولیتیک (۲) قریب ۸۰۰۰ سال قبل نه با ساس معالجه طبی بلکه با قسم علامت غم و با قربانی و ایشار استعمال میکردند.

مرض نسبت به بشر، خیلی قدیم است تا آنکه در زمان نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد و در زمان قبل از تاریخ برهان قاطعی است بر اینکه آنها با مساهضی مثل ورم استخوان و التهاب مفاصل مبتلا شده بودند.

از وادی نیل اولین چراغ علمیت قدیم روشن شده در پیر تو آن علم طب ظهور کرد. «هرودوت» و «سترابو» گفته اند: در اعصار ماضیه، مصریها (۱) عصر جدید حجر که در آن وقت بشر، آلات و ادوات سنگی را نسبتاً بهتر و مصدقل می ساختند. مترجم.

(۲) عصر قدیم سنگ که بشر در آن زمان، آلات و ادوات را از سنگ خوب ساخته نمیتوانستند. مترجم.

مرضی را در معبر عام و جوار معابد می آوردند و اشخاص رهگذر که بآن مرض سر رشته و دست رسی داشته و یا شنیده بودند، به تدوی و یا ارشاد طریقه معالجه آنها میپرداختند. ازان وقت بعد، آهسته آهسته تشریحاتی بر امراض علاج شده اضافه گردیده و این تشریحات متدرجاً از سر زبانهها بر اوراق کتیب تحریر و در معابد حفظ می شد. گویا تحول مزبور، نخستین قدمی بود از طب شعوری (باطبیعی) به طب اصولی و علمی، که در مصر در عهد سلاله های اول، قرنهای قبل از بقراط (۱) آغاز یافت.

از اوراق پراکنده تاریخ هوبد است که یونانیهای قدیم در مدارس مصری بکثرت آمد و شده اشتمند، با خصوصاً آوانی که آما سیس (۲) راه ورود مصر را بر روی خا رجی ها با زگرده و شهر ناکراتیس را به مستعمرین یونانی واگذاشت. اکثر صفحاتی در مجموعه بقراط و کتیب «گالین» (۳) و د بوسکار د بز (۴) اغلباً ترجمه تحت اللفظی نسخه های طبی مصری (که روی پاپیروس نگاشته شده اند) می باشند. سترابو (۵) در تاریخ خود منو بسد: آنها (۶) خانه های کشیشان و مسکن افلاطون و بود و کس (۷) را با نشان داده اند

- (۱) بقراط، فیلسوف یونانی و موسوم به «پدر طب» است و در حدود قرن ۶ قبل المیلاد می زیست. کتب و مجامع یونانی و مطالعات فرنگی
- (۲) یکی از فراغنه مصر در قرن ۶ ق م مترجم
- (۳) طبیب و فیلسوف یونانی بود که از ۱۳۰ - ۲۰۰ میلادی حیات داشت مترجم
- (۴) طبیب و فیلسوف یونانی.
- (۵) جغرافیه دان و مورخ یونانی از ۶۳ ق م - ۱۹ میلادی. مترجم
- (۶) مراد «گالین» و «د بوسکار د بز». مترجم.
- (۷) فیلسوف ریاضی دان و منجم یونانی که از ۴۰۸ - ۳۵۵ قبل المیلاد زندگی میکرد. مترجم

و ابن هر دو فیلسوف (۱) یکی با هیلپوپولس (۲) وارد و حسب روایات ' ۱۳ سال را با کشیشان گذارنیده و از نزد کشیشان که در علم فلکیات و طب خیلی ' دسترسی داشتند ' بعضی مسائل را آموختند . از بن معلوم میشود که مصر کهواره کلیه علوم است و از سواحل نیل اولین جرقه آن مشتعل و دست بدست گردیده به اقطار عالم انتشار یافت . ابن پرتوگاما هی خموش نشده بلکه بعضی اوقات خیلی در خشان و زحافی بانر حلول یرده ' جهل ' خیره تر شده است . ابن شعله از مصر به یونان انعکاس بلکه انتقال کرده در بیکر تمدن آن حلول و آنرا حیات بخشیده . بهمین سبب است که بین حکمت مصر قدیم و یونان عدم ارتباط ملاحظه رسیده و یونان را مبداء علم معرفی میکنند . ابن مشعل را یونانیها بدست رومانی ها دادند و از موخرالد کراعراب گرفت و بالآخره از اعراب و یونان بتصرف اوروپائی ها درآمد .

باینقرار دانش مصر قدیم در زاویه خمبول ماند . امروزه محققین تمدن قدیم مصر سعی دارند . یرده از روی این مدنیت بردارند . فی الحقیقت ما دامیکه « شامیلیون » فرانسوی کتیبه های هیر و غلیف مصری را تا یک قرن پیش (در سال ۱۸۸۲) نخوانده بود تا ربنخ مصر قدیم هم بطور درخاک و گمنامی مدفون بود و نوشته جات معابد و مقبره و پایبوس آن صورت معادداشت کشف طب :

کاشف طب در مصر قدیم « نوٹ » یا « هر مینز » (رب النوع فنون و ساینس) را تصویر می کنند و او را مخترع السنه - خط - حساب - هندسه - فلکیات - طب - موسیقی - وزن شعر - مذهب و هر علم انسانی میدانند . در حقیقت « هر مینز » مظهر روحانیت و روحانیون بود .

(۱) مقصود ا فلاطون و بوددکسس . مترجم .

(۲) شهر قدیم مصر بر مصب دریای نیل . مترجم .

بعد از او رتبه النوع «ایزیس» (عیال اوزیریس) را که به هاتور (زهره مصری) «یا ایته» معروف است گمان میکنند. مشارالیهها گو با عقیدهٔ خود شان معبودهٔ حاصل خیزی است، و در مبعداو (بمقام سائیس: مصر) زنهارا درس قابله گمی میدادند. بعدها در یونان، به افتخار «ایزیس» معابدی تعمیر و او را بایسرش «آریوگر بت» (که انگشتش در دهان پسرش بوده و راز مشغله اش را می فهمانید) رسم کردند.

رب النوع سوم، سیکهت، آلهٔ جراحی بود. کشیشان پیر و او در شکسته بندی و بجای کردن استخوان تخصص داشته زخمهارا شسته و بسته کرده و رو بهمرفته به جراحی مختصری اشنائی داشتند.

بعد ازین، رب النوع اصلی و مهمترین از باب انواع در طب ظهور میکند که به امهوتیب (معنی کسی که برای امانت می آید) موسوم است. بقول سرآسلر طبیب «امهوتیب شکل نخستین طبیبی را ازین غبارهای دنیای قدیم ارائه میدهد» مشارالیه شخصی بود که در زمان زوزر (پادشاه مصر) در سال ۴۵۰۰ قبل المیلاد، زندگانی میکرد و در عین حال طبیب، استاد اسرار، معمار، وزیر و نویسندهٔ اسرار بود.

امهوتیب، در کارروائی های خود خیلی کامیاب بود و ازین است که از مرحله طبابت به مرتبهٔ «بزرگی» پروردگار ۲۵۰۰ سال بعد از تراکشن به مقام «رب النوع طب» رسید. مهمترین معابدی که به افتخار او آباد گردید، کثراً در جزیرهٔ «فیلی» (یونان) و در ممفیس (مصر) بودند. و دو مقام، مؤخر الذکر، بزرگترین کتابخانهٔ وجود داشت که فقط يك نسخهٔ آن بهار سیده و آن همان «پایروس طبی رلین» است.

مذهب و طب در ازمنهٔ قدیمه یکجا بوده و استعمال آن بدست روحانیون یا طبیبی روحانی بود و ایشان بعنوان ترجمان های ارادهٔ معبود و معبود، های نامرئی، ادعا میکردند صاحب طلسمات مقتدره و فعال و مالک تدابیر طبی میباشند. مریضها آنوقت به معابد می آمدند و وقتیکه جور می شدند، صدقات و هدایا به ارباب انواع و روحانیون، تقدیم

کرده و صورت مشروح ناخوشی خویش و تداوی آن را به معابد میدادند. بمرور زمان نوشته جات حاوی طرق معالجه در معابد جمع و ذخیره شده رفت. و اطباء روحانی مصر قدیم، این علم مجتمعه را بکجا ترتیب داده بنام «کتاب مقدس نوٹ» یا «کتاب مرموز اطباء» نویسیم کردند. آهسته آهسته مدارس ملحق به معابد عمده تشکیل یافته و در آنجا نظریات و عملیات طبی متداوله زمان به شاگردها و روحانیون تدریس شد. تاریخ چهار مکتب را در مصر، بمقامات ممفیس - تیب - هیلو پولس و سائیس تذکر داده است. مضامین تعلیمی کتب مقدس و شامل مذهب - سحر - علم نجوم - هندسه - ریاضیات و طب بود. و متعلمین طبی بالای مریضانید که به معبد می آمدند اجرای عملیات و تطبیقات میکردند. در ممفیس و تیب، خیلی آلائی یافته شده که بدون شبهه بقایای این مکاتب بوده اند. در باغهای گرد و نواح معابد، بتهها و نباتات طبی را می کاشتند. برای معالجه اطاقهای مخصوصی بود. بدیوارهای آن نسخه جات دو انحریر بود (و این قدیمترین اجزا خانه است) - در قسمت مجاور اجزا خانه ها، کتابخانه تملو از کتب و مآخذ مهمه علمی می بود.

اطباء روحانی بعد از آنکه دارای لیاقت و صلاحیت می شدند، مجبور بودند برای پنهان کردن علم خویش سوگند یاد کنند و نیز باستی خود را به یکی از معابد معتبره «ایسیس» یا «امهوتیب» ملحق سازند. اطباء در آنوقت خیلی احترام دیده و فراغته مصر باوشان امتیازاتی عطا میکردند و شخص پادشاه یکی از آنها را طبیب مخصوص خویش انتخاب می نمود.

در ریایروس «ایبرز» مقاله بعنوان «فن و راز اطباء که کار قلب را میدانند و قلب را میشناسند...» تحریر یافته و در نحت این عنوان سه طبقه اطباء تشخیص داده شده.

اول: طبیب معمولی (باسایونو یعنی شخصی که علمیت خود را از کتب تحصیل کرده).
دوم: کشیش سکھیت یا «اوتی بوسکت» که ارواح شریره را بوسیله تعویذ

و عزایم از بدن مصابین دور کرده و علمیت آنها الهامی و خدائی بود.
سوم: ساحران یا افسون گران که «سار» نامیده شده و نه از علمیت طبقهٔ اولی
و نه از الهام قدسی صنف وسطی بهره داشتند.

هرودوت می گوید: عمل طبابت در مصر خیلی عاقلانه جاری بود و هر طبیب
به يك شعبه تخصص داشت مثل: متخصص چشم - متخصص دندان - متخصص امراض
زنانه و غیره و اگر طبیبی برخلاف اصول و مقررات علمی کتاب مقدس اطباء رفتار
کرده و مریض ازین نقطه از دستش گشته می شد مسئول شناخته می شد.

اوراق طبی یا پیروسی که برای ما رسیده است، باره هائی ازین قوانین می باشند.
«مهمترین این اوراق هـمانا از «ابد و بن سمیت» - «بر این» - «داکتر ابرز» -
«لندن» - «کاهون» - «هورست» - «وست کار» و «ایدن» است.

۱ - پایروس ایدوین سمیت: در تقویم سال ۱۸۸۲ یافت شد. بعد از مرگ
ایدوین سمیت، دخترش آنرا به «انجمن تاریخی نیویارک» بخشید و بر وفیسر
«برستد» آن را (که عبارت از ۱۷ سطر هیر و غلیفی بوده و تاریخ آن بوقت
بنایان اهرام مصر میرسد) ترتیب و ترجمه نموده است. این اثر رو بهمرفته قدیم ترین
کتاب جراحی است - و ۴۸ قضایای طبی در آن بطور اصولی بیان شده است.

۲ - «پایروس طبی برلین»: بصورت ناقصی در يك كوزه گلی قریب مقام
«ساکارا» دستیاب شده و اغلباً به سلاطین اولیهٔ مصری تعلق میگیرد و آنرا یكانه
آثار باقیهٔ کتابخانهٔ «رمپوئیپ» (که از آن در کتب کمالین و مورخین قدیمه
ذکری رفته) تصور میکنند. «بروکش» و «شاباس» آنرا ترجمه و ترتیب
نموده و حالیه در موزیم برلین جا دارد.

ناتمام

* *

*